روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵ • ۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • ۱۱ نوامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۵۲۴ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۰ • اذان صبح فردا ۵:۱۱ • طلوع آفتاب ۶:۳۷



دومین فستیوال بانوان موسیقی نواحی ایران و حرکات آیینی اقوام ایرانی با محوریت موسیقی آیینی و اقوام ایرانی، از ۱۷ تا ۱۹ آبان‌ماه در جزیره کیش برگزار شد. در این رویداد، گروه‌ها و هنرمندانی از نقاط مختلف کشور، ازجمله حرکات آیینی موسیقی اقوام سیستان‌وبلوچستان، گروه حرکات آیینی تربت‌جام از خراسان، گروه حرکات آیینی تبریز، گروه‌های موسیقی سونار بوشهر پارلای توربز، دَت آوارستان، کارون اهواز و آنی‌سی تبریز به اجرای برنامه پرداختند. عکس: نسرین فائق، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

دغدغه‌خوانی

از اختلاف در تربیت تا توافق در مدرسه‌داری

حجت‌اله طالبیان بروجنی

در سال‌هایی که ریاضی تدریس می‌کنم، یکی از قضایایی که برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهم، قضیه «ساندویچ» یا «فشردگی» است. اگر تابعی میان دو تابع دیگر محصور باشد و حد دو تابع کناری به یک مقدار میل کند، تابع میانی نیز به همان مقدار میل خواهد کرد.

مدتی است هنگام تدریس این قضیه با خودم فکر می‌کنم آیا در سیاست هم می‌توان با قراردادن دولت میان دو جریان متفاوت، انتظار رسیدن به نقطه مشترک را داشت؟

آموزش و پرورش شاید بهترین عرصه برای آزمودن شعار وفاق دولت پزشکیان باشد؛ زیرا اختلاف جریان‌های سیاسی در این حوزه صرفا اختلاف سلیقه مدیریتی نیست، بلکه به برداشت‌های متفاوت از انسان، جامعه، فرهنگ، تربیت و آینده کشور بازمی‌گردد.

برای مثال، یک رویکرد بر تکثر فرهنگی، تفکر انتقادی و استقلال حرفه‌ای معلم تأکید دارد و رویکرد دیگر ممکن است یکسان‌سازی فرهنگی، کنترل محتوای آموزشی و تربیت در چارچوب ارزش‌های از پیش تعیین‌شده را در اولویت قرار دهد. این دوگانه البته صورت‌بندی تحلیلی است و قرار نیست همه افراد و جریان‌ها را در دو قالب بسته قرار دهد، اما اختلاف مبانی را نمی‌توان با نادیده‌گرفتن آن حل کرد.

آیا می‌توان هم‌زمان از مدرسه پرسشگر سخن گفت و پرسشگری را محدود کرد؟ از معلم متخصص و مستقل دفاع کرد، اما در انتصاب مدیران، معیارهای غیرحرفه‌ای را بر تخصص مقدم دانست؟ از تحول آموزشی گفت، اما ساختارهای سنتی و مناسبات غیرپاسخ‌گو را دست‌نخورده باقی گذاشت؟

اگر اختلاف بر سر روش‌ها باشد، وفاق و مصالحه امکان‌پذیر است، اما اگر اختلاف بر سر غایت تربیت، ماهیت مدرسه و جایگاه معلم باشد، تغییر چند مدیر و تقسیم کرسی‌های مدیریتی نمی‌تواند به‌تنهایی وفاق ایجاد کند. در چنین شرایطی ممکن است ترکیبی از نیروهای دو جریان در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش شکل بگیرد، بی‌آنکه سیاستی منسجم پدید آید. حتی این احتمال وجود دارد که هر جریان، قلمرو مدیریتی خود را داشته باشد و در زمان پاسخ‌گویی، ناکامی‌ها را به گردن قلمرو دیگر بیندازد.

در این میان، نکته تأمل‌برانگیز دیگری هم وجود دارد: جریان‌هایی که در تعریف تربیت و ماهیت مدرسه اختلاف دارند، گاهی در مناسبات مدرسه‌داری و اقتصاد آموزش به نقاط اشتراک می‌رسند. این هم‌پوشانی، به‌ویژه در موضوع مدارس غیردولتی و سازوکارهای اداره آنها، پرسش‌هایی جدی ایجاد می‌کند. چرا اختلاف بر سر محتوای تربیت و ارزش‌های حاکم بر مدرسه تا این اندازه پررنگ است، اما در مناسبات اقتصادی و امتیازهای مدرسه‌داری امکان تفاهم بیشتری وجود دارد؟ روشن است این نقد متوجه همه مؤسسان و مدارس غیردولتی نیست؛ بحث بر سر ساختاری است که گاهی منافع اقتصادی را بر حق عمومی آموزش مقدم می‌کند.

در این میان، دانش‌آموز به غایب بزرگ معادله وفاق تبدیل می‌شود؛ کسی که همه درباره مدرسه‌اش تصمیم می‌گیرند، اما کمتر فرصت دارد در این توافق‌ها صاحب حق و صدا باشد. گویی مدرسه موضوع توافق جریان‌هاست، نه نهادی برای تحقق حقوق نسل آینده.

پرسشی که برای آن باید به دنبال جواب آن در مسئله وفاق باشیم، این است: « آیا دولت پزشکیان به دنبال وفاق بر سر آینده آموزش و پرورش است یا وفاق بر سر سهم جریان‌های سیاسی از مدیریت آن؟».

اولی به گفت‌وگوی جدی درباره فلسفه تعلیم و تربیت، عدالت آموزشی، کیفیت یادگیری و استقلال حرفه‌ای معلم نیاز دارد و دومی شاید با چند انتصاب و توافق پشت درهای بسته هم محقق شود. مدرسه نه سهم چپ است، نه سهم راست و نه ملک اختصاصی هیچ جریان سیاسی؛ مدرسه متعلق به دانش‌آموز و جامعه است. وفاق آموزشی زمانی معنا پیدا می‌کند که نقطه مشترک را نه در تقسیم قدرت، بلکه در حق دانش‌آموز برای برخورداری از آموزش باکیفیت و عادلانه جست‌وجو کنیم.

در ریاضیات، قضیه ساندویچ نتیجه هم‌گرایی دو سوی یک رابطه است؛ در سیاست اما صرفا قرارگرفتن دولت میان دو جریان، تضمینی برای هم‌گرایی نیست. نقطه مشترک باید ساخته شود و چه نقطه‌ای روشن‌تر از آینده فرزندان این سرزمین.

یک پیشنهاد برای زمستان بدون قطع گاز

امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های خاص فرهنگی وجود دارد؟



پویا نعمت‌اللهی
روزنامه‌نگار

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از تدوین سناریوهای مدیریت مصرف برای استان‌های دارای تنش گازی خبر داد و با تأکید بر نقش همراهی مردم در تأمین پایدار گاز، اجرای پویش‌هایی همچون «۲۰ درجه» و «اتاق گرم» را از برنامه‌های کاهش مصرف در فصل سرد سال معرفی کرد. این شاید برای اولین بار است که دستگاه‌های اطلاع‌رسانی دولتی مستقیما از کمبود گاز برای برخی نقاط کشور خبر می‌دهند. چندی قبل سخنگوی دولت گفت با توجه به آسیب‌دیدن بخشی از ظرفیت تولید گاز کشور، احتمال دارد زمستان امسال استان‌های شمالی با مشکل تأمین گاز روبه‌رو شوند. مقامات رسمی گفته‌اند از مجموع ۲۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت ازدست‌رفته (به دنبال تجاوز دشمن به تأسیسات چهار پالایشگاه در اسفند سال گذشته)، حدود صد میلیون مترمکعب به چرخه بازگردانده شده است. با در نظر گرفتن اینکه از گذشته در اوج مصرف حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب ناترازی گاز وجود داشت، به نظر می‌رسد در وضعیت اوج مصرف در سال جاری بالغ بر ۴۰۰ میلیون مترمکعب کاهش ظرفیت و ناترازی خواهیم داشت. موضوع کسری گاز به این شکل مدیریت می‌شود که ابتدا باید گاز مناطق مسکونی قطع نشود، سپس سایر بخش‌ها مثل نیروگاه‌ها، کارخانجات و صنایع بزرگ‌تری مثل پتروشیمی در نوبت دریافت گاز قرار بگیرند. اما سخنان مدیرعامل شرکت ملی گاز، یک نکته خیلی مهم را نیز مطرح می‌کند. او ابراز امیدواری کرده که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی هر منطقه و همراهی مردم، زمینه کاهش مصرف گاز و مدیریت بهینه آن در فصل سرد سال فراهم شود. اما چرا این اظهارنظر بسیار مهم است؟ به‌طور کلی کمبود گاز برای مصارف شهری و مردم عادی تاکنون سابقه نداشته است (به غیر از یک مورد قطع گاز در سبزوار مربوط به سال‌های قبل که آن هم ناشی از یک مشکل تقریبا فنی بود). به عبارت دیگر برای اولین بار ممکن است مردمی در چندین استان شمالی کشور وقتی شیر گاز را باز می‌کنند، هیچ میزانی از گاز در پشت لوله نباشد. این مشکل واقعا بزرگی است و همه شهروندان در تمام نقاط کشور باید دست به دست یکدیگر بدهند تا این اتفاق نیفتد یا اگر افتاده به سرعت برطرف شود. اولین هشدار این است که این مشکل ممکن است برای هر نقطه دیگر از کشور هم بیفتد. بنابراین در یک همکاری عمومی باید همه شهروندان اجازه بروز این مشکل را ندهند. چاره اصلی در مدیریت مصرف است.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد برخی اقدامات در خصوص بهینه‌سازی و مدیریت مصرف چندان کارساز نبوده است. هرساله این مشکل وجود داشته و هرساله هم دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای دولتی با هزینه‌های فراوان خواستار بهینه‌سازی مصرف هستند، اما اتفاق خاصی نمی‌افتد. شاید بتوان ادعا کرد که ساختارهای رسمی در این رابطه منفعل و ناکارآمد هستند. هرچقدر شعار بهینه‌سازی داده شود، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. مشکل درواقع از سوی مردم نیست؛ در تجهیزاتی است که در اختیار آنهاست. وقتی گفته می‌شود ساختار رسمی ناقص است، به این معناست که هیچ ساختمانی در کشور نباید بدون اجرای مقررات فصل ۱۹ مقررات ملی ساختمان، پایان کار بگیرد. شهرداری‌ها به همراه انجمن‌های فعال مهندسی و عمران و ساخت‌وساز در کنار وزارت شهرسازی و همچنین وزارت کشور در این زمینه مسئولیت مصرح قانونی دارند. گویا هیچ‌کدام در این خصوص اهتمام لازم را نداشته و چه‌بسا این همه ساختمان از گوشه‌وکنار شهرها سر برمی‌آورند که استانداردهای مصرف انرژی را رعایت نکرده‌اند و در اولین موج سرما از همه جای خانه انرژی گرمایی هدر می‌رود. مورد دیگر این است که مدیرعامل شرکت ملی گاز به «ظرفیت‌های فرهنگی هر منطقه» اشاره کرده است. این نشان می‌دهد که حتی مدیران کلان کشور هم از ضعف ساختارها و ظرفیت‌های رسمی آگاهی پیدا کرده‌اند. اما ایده آلترناتیو مناسب نیز همانی است که این مدیر از آن نام برده است. آنچه در تهران می‌تواند تأثیری بر مدیریت مصرف بگذارد، شاید در مازندران هیچ تأثیری نداشته باشد. این تنوع فرهنگی در گستره کشور می‌تواند در خدمت اموری همچون مدیریت مصرف باشد. بعید است که مردم توجهی به شعارهای روابط‌عمومی‌ها و زیرنویس‌های تلویزیونی و دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی رسمی داشته باشند. اثربخشی فعالیتی است که باید برای تعیین میزان اجرای یک برنامه یا فعالیت انجام شود. با اثربخشی یک فعالیت، مزایا و معایب فعالیت‌های انجام‌شده مشخص می‌شود تا راه‌حل‌های بعدی ارائه شود. اکنون چنان‌که مدیرعامل شرکت ملی گاز بیان کرده، باید از نخبگان هر منطقه به صورت مجزا دعوت کرد که به کمپین‌های اجرائی ملحق شوند. هر منطقه باید پویش خاص خود را داشته باشد، نه اینکه یک پویش سراسری در کل کشور ایجاد کنند که هر سلبریتی و مقام دولتی رسمی و غیررسمی به آن ملحق شوند. دغدغه یک روستایی مازندرانی با دغدغه یک شهرنشین فرق دارد. گوناگونی فرهنگی در سطح کشور می‌تواند در خدمت طرح‌هایی همچون مدیریت مصرف گاز قرار بگیرد تا زمستان امسال نیز به هر طریق ممکن با بیشترین مردم بهره‌مند از گاز به پایان برسد.

گزارش‌خوانی

قدرت روایت در ساختن و فروپاشی چهره‌ها

غزل شبستری

در دوره‌های التهاب سیاسی، یکی از نخستین قربانیان، «قدرت قضاوت مستقل» است. مردم لزوما ناآگاه نیستند، اما هنگامی که حجم اخبار، تحلیل‌ها و روایت‌های متناقض از توان پردازش فردی فراتر می‌رود، ذهن انسان به میان‌برهای شناختی پناه می‌برد. در چنین وضعیتی، رسانه‌ها -به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی- می‌توانند با تغییر زاویه روایت، تصویر افراد و رویدادها را در زمانی کوتاه دگرگون کنند؛ چنان‌که یک چهره سیاسی از «قهرمان» به «خائن» و از «منجی» به «تهدید» تبدیل شود. والتر لیپمن، روزنامه‌نگار و نظریه‌پرداز آمریکایی، در کتاب افکار عمومی می‌نویسد: «ما معمولا نخست تعریف می‌کنیم و سپس می‌بینیم»؛ این گزاره شاید یکی از دقیق‌ترین توصیف‌ها از نقش رسانه در شکل‌دادن به ادراک جمعی باشد.

افکار عمومی بارها تحت تأثیر تغییر فضای رسانه‌ای و تبلیغات سیاسی دگرگون شد. ژرژ دانتون، یکی از چهره‌های اصلی انقلاب و از بنیان‌گذاران جمهوری فرانسه، در سال‌های آغازین انقلاب به‌عنوان نماد مبارزه با سلطنت شناخته می‌شد. او در سرنگونی سلطنت و شکل‌گیری حکومت انقلابی نقشی کلیدی داشت. اما تنها چند سال بعد، همان چهره انقلابی به «تهدیدی برای انقلاب» تبدیل شد. در سال ۱۷۹۴، دانتون و همراهانش در جریان مبارزه‌های درون‌حکومتی هدف اتهام‌های سیاسی قرار گرفتند. فضای سیاسی آمیخته به ترس و سوءظن، مجالی برای دفاع مؤثر باقی نگذاشت.

در انقلاب روسیه نیز سازوکار مشابهی دیده می‌شود. پس از استقرار حکومت بلشویکی، مفهوم «دشمن مردم» به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حذف سیاسی تبدیل شد. رسانه‌های حزبی و دستگاه تبلیغاتی حکومت، بسیاری از منتقدان یا حتی انقلابیون سابق را با همین برچسب از صحنه خارج کردند. لئون تروتسکی نمونه‌ای شاخص از این روند است. او از رهبران اصلی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و از سازمان‌دهندگان اصلی ارتش سرخ بود، اما پس از قدرت‌گیری استالین، به تدریج از ساختار سیاسی شوروی کنار گذاشته شد. در چنین شرایطی، جامعه‌ای که درگیر بحران، جنگ داخلی و ناامنی است، بیش از هر زمان دیگری به دنبال انسجام و قطعیت می‌گردد. رسانه‌های نزدیک به قدرت نیز معمولا با ساده‌سازی واقعیت، افراد را در دوگانه «با ما یا علیه ما» قرار می‌دهند؛ دوگانه‌ای که امکان گفت‌وگوی عقلانی را کاهش می‌دهد.

در قرن بیست‌ویکم، این روند نه‌تنها متوقف نشده، بلکه با ظهور شبکه‌های اجتماعی شتاب گرفته است. تفاوت اصلی امروز، سرعت گردش روایت‌هاست. اگر در گذشته تغییر تصویر عمومی افراد به ماه‌ها یا سال‌ها زمان نیاز داشت، اکنون این تغییر ممکن است ظرف چند ساعت رخ دهد. چرا افکار عمومی دچار خطا می‌شود؟ این پدیده الزاما ناشی از بی‌سوادی عمومی نیست، بلکه ریشه در سازوکارهای شناخته‌شده روان‌شناختی دارد:

اثر تکرار: هرچه یک ادعا بیشتر شنیده شود، معتبرتر به نظر می‌رسد؛ حتی اگر شواهد کافی نداشته باشد. پژوهش‌های روان‌شناختی نشان داده‌اند تکرار یک گزاره می‌تواند احتمال درست‌پنداشتن آن را افزایش دهد؛ پدیده‌ای که در ادبیات پژوهشی «اثر حقیقت واهی» نامیده می‌شود (Fazio et al, ۲۰۱۹).

فشار جمعی: هنگامی که اکثریت قابل مشاهده -به‌ویژه در فضای مجازی- از دیدگاهی حمایت می‌کنند، مخالفت دشوارتر می‌شود.

خستگی شناختی: حجم بالای اخبار، بحران‌ها و اطلاعات متناقض، توان تحلیل عمیق را کاهش می‌دهد.

نیاز به قطعیت: ذهن انسان در شرایط بحران، ابهام را کمتر تحمل می‌کند و به روایت‌های ساده و قطعی گرایش پیدا می‌کند.

الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی نیز این وضعیت را تشدید می‌کنند. پژوهشی که ویلیام بریدی، جولیان ویلز، جان جاست، جاشوا تاکر و جی ون‌باول در سال ۲۰۱۷ انجام دادند و نتایج آن در مجله علمی (PNAS) منتشر شد، به بررسی نقش زبان اخلاقی و هیجانی در گسترش پیام‌های سیاسی پرداخت. پژوهشگران با تحلیل بیش از ۵۶۳ هزار پیام توییتری درباره موضوعات مناقشه‌برانگیزی مانند کنترل سلاح و تغییرات اقلیمی دریافتند که به ازای هر واژه بیشتر با بار اخلاقی-هیجانی، میزان انتشار پیام به‌طور متوسط حدود ۲۰ درصد افزایش می‌یافت. یافته‌ها نشان می‌دهند پیام‌هایی که احساسات و داوری‌های اخلاقی را برمی‌انگیزند، می‌توانند گسترده‌تر منتشر شوند؛ سازوکاری که در شکل‌گیری و گسترش روایت‌های سیاسی درباره افراد و گروه‌ها نیز اهمیت دارد. در نتیجه، روایت‌های میانه‌رو و تحلیلی ممکن است کمتر مجال دیده‌شدن پیدا کنند و افکار عمومی به‌سرعت علیه همان افرادی بچرخد که دیروز تحسینشان می‌کرد. فرسایش اعتماد عمومی تبدیل مداوم قهرمانان به «خائن» یا «مزدور»، تنها به حذف افراد محدود نمی‌شود، بلکه پیامدی عمیق‌تر به همراه دارد: فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی. جامعه‌ای که پیوسته شاهد سقوط نمادهای خود است، به تدریج دچار بدبینی ساختاری می‌شود. در چنین فضایی، هیچ شخصیت مستقلی دوام چندانی نمی‌آورد؛ زیرا هر موضع پیچیده‌ای می‌تواند با تقطیع، بازنشر گزینشی یا روایت‌سازی هیجانی تحریف شود. تجربه تاریخی انقلاب‌ها نشان می‌دهد که این چرخه، اغلب بیش از آنکه به اصلاح سیاسی منجر شود، به رادیکالیزه‌شدن فضا و حذف صداهای عقلانی می‌انجامد. انقلاب‌ها همواره میدان نبرد روایت‌ها بوده‌اند؛ اما در عصر رسانه‌های فراگیر، این نبرد به سطحی رسیده که می‌تواند در زمانی کوتاه، جایگاه افراد و جهت افکار عمومی را دگرگون کند. شاید بزرگ‌ترین خطر هر جامعه سیاسی، نه وجود اختلاف‌نظر، بلکه لحظه‌ای باشد که جامعه دیگر برای مکث، مقایسه و اندیشیدن فرصت قائل نشود.

۵۰ درصد

آمریکا با سهم ۵۰درصدی، نیمی از مدل‌های هوش مصنوعی موجود در مجموعه داده‌های مورد بررسی را توسعه داده است. این رقم بیش از دو برابر سهم ۲۴درصدی چین است. انگلیس با فاصله زیاد و سهم ۵.۲درصدی در رتبه سوم قرار دارد؛ در حالی که سهم آلمان و فرانسه هرکدام کمی بیش از دو درصد است. برتری آمریکا در توسعه هوش مصنوعی حاصل ترکیبی از سرمایه‌گذاری خطرپذیر، حضور شرکت‌های پیشرو فناوری، استعدادهای پژوهشی و زیرساخت‌های پردازشی است؛ شرکت‌هایی مانند گوگل، اوپن‌ای‌آی و آنتروپیک. پیشتازی آمریکا تنها به توسعه مدل‌های هوش مصنوعی محدود نمی‌شود؛ این کشور همچنین میزبان شرکت‌هایی است که برخی از پرکاربردترین چت‌بات‌های هوش مصنوعی جهان را ارائه می‌کنند.

۱۰۰ بلبل‌خرما

رئیس اداره حفاظت محیط زیست هندیجان از شناسایی و دستگیری یک متخلف صید غیرمجاز پرندگان و رهاسازی صد قطعه بلبل‌خرما خبر داد. در جریان گشت و کنترل‌های حفاظتی محیط‌بانان در بامداد ۱۸ آبان‌ماه ۱۴۰۵ و با همکاری نیروهای انتظامی مستقر در پاسگاه شاه‌عبدالله، یک متخلف شناسایی شد. این فرد اقدام به زنده‌گیری و صید غیرمجاز بیش از صد قطعه پرنده از گونه بلبل‌خرما کرده بود که پس از دستگیری و بررسی وضعیت پرندگان، تمامی آنها در زیستگاه طبیعی شهرستان هندیجان رهاسازی شدند و به دامان طبیعت بازگشتند. بر اساس ماده ۱۰ قانون شکار و صید و همچنین ماده ۸ آیین‌نامه اجرائی آن، هرگونه شکار، صید، حمل و نگهداری جانوران وحشی بدون دریافت پروانه و مجوز رسمی از سازمان حفاظت محیط زیست ممنوع است.

۴۷ میلیون سال

فسیل تقریبا سالم جغدی کوچک در آلمان، با قدمت ۴۷ میلیون سال کشف شده که سرنخ تازه‌ای درباره زمان تبدیل‌شدن جغدها به پرندگانی شب‌زی در اختیار دانشمندان قرار داده است. دانشمندان با بررسی فسیل کم‌نظیری از جغدی متعلق به دوران ائوسن، شواهد تازه‌ای درباره یکی از پرسش‌های حل‌نشده در تکامل پرندگان به دست آورده‌اند. این فسیل که در محوطه باستانی مسل در آلمان کشف شده، نشان می‌دهد اجداد جغدهای امروزی احتمالا در گذشته در طول روز فعالیت می‌کردند و شب‌زی‌شدن این پرندگان در دوره‌ای بین ۴۷ تا ۳۵ میلیون سال پیش اتفاق افتاده است. نکته جالب‌تر اینکه بقایای یک سوسک در معده این جغد حفظ شده و به پژوهشگران در بازسازی شیوه زندگی آن کمک کرده است.

سبزخوانی

مرگ دسته‌جمعی نهنگ‌ها

سی‌ان‌ان گزارشی از به‌گل‌نشستن نهنگ‌ها در یکی از سواحل نیوزیلند منتشر کرده است؛ اتفاقی که سبب شده تا این لحظه بیش از ۴۰ نهنگ کشته شوند. اداره حفاظت از محیط زیست نیوزیلند در بیانیه‌ای اعلام کرد دسته نهنگ‌های خلبان اندکی پس از ساعت هشت صبح پنجشنبه به وقت محلی، در ساحل نِگاوی، نزدیک روستای کیپ پالیزر در جنوبی‌ترین نقطه جزیره شمالی نیوزیلند، به گل نشسته بودند. سازمان محیط‌زیستی «پروژه جونا نیوزیلند» بعدازظهر همان روز اعلام کرد که در آن زمان، دست‌کم ۲۰ نهنگ در ساحل گرفتار شده بودند و چهار نهنگ از آنها هنوز زنده بودند. این سازمان خیریه افزود که با همکاری اداره حفاظت از محیط زیست و گروهی از قبایل مائوری، در حال ارزیابی وضعیت سلامت نهنگ‌ها و آماده‌سازی برای بازگرداندن نهنگ‌های زنده به دریا با بالاآمدن سطح آب در زمان مد هستند. با این حال، اداره حفاظت از محیط زیست نیوزیلند در گزارشی که بعدازظهر جمعه به وقت محلی منتشر کرد، اعلام کرد در مجموع ۴۳ نهنگ در امتداد ساحل، از نگاوی تا مانگاتوتوئه، پیدا شده‌اند و «متأسفانه تصور نمی‌شود هیچ‌یک از آنها جان سالم به در برده باشند». کمی بعدتر پروژه جونا نیز در گزارش به‌روزرسانی‌شده خود اعلام کرد بسیاری از نهنگ‌ها که در امتداد «چندین کیلومتر از خط ساحلی» پراکنده شده بودند، به صورت مرده پیدا شدند و نهنگ‌هایی هم که زنده پیدا شدند، در طول روز جان باختند. مردم محلی هم در کنار امدادگران به مراقبت و تلاش برای زنده‌ماندن این نهنگ‌ها اقدام و تلاش کردند نهنگ‌ها را خنک نگه دارند و تا حد امکان شرایط راحتی برایشان فراهم کنند. در حال حاضر، در نیوزیلند فصل تابستان است و نهنگ‌ها در جست‌وجوی منابع غذایی مشترک به آب‌های نزدیک ساحل می‌آیند و بیشتر موارد به‌گل‌نشستن دسته‌جمعی آنها نیز در همین زمان رخ می‌دهد. همچنین اداره حفاظت از محیط زیست نیوزیلند اعلام کرد که برای دفن این «تائونگا» برنامه‌ریزی می‌کند؛ واژه‌ای که در زبان مائوری به میراثی بسیار ارزشمند و گران‌بها اشاره دارد. اندرو سیم، ماهیگیر محلی، گفت بیش از چهار دهه است در این منطقه ساحلی فعالیت می‌کند و پیش از این نیز مواردی از به‌گل‌نشستن نهنگ‌ها را دیده است، اما هرگز شاهد نبوده که نهنگ‌های خلبان به ساحل بیایند. بر اساس اطلاعات اداره حفاظت از محیط زیست نیوزیلند، نهنگ‌های خلبان ازجمله گونه‌هایی هستند که به‌دفعات در سواحل به گل می‌نشینند، اما علت به‌گل‌نشستن دسته‌جمعی آنها هنوز به‌خوبی شناخته نشده است. ایان ال بوید، استاد زیست‌شناسی گفت: «این اتفاق برای گونه‌هایی رخ می‌دهد که معمولا زندگی اجتماعی بسیار پررنگی دارند و احتمالا تمام یا بخشی از یک گروه اجتماعی به‌طور هم‌زمان در ساحل گرفتار می‌شوند».

بوید افزود: «به‌گل‌نشستن دسته‌جمعی نهنگ‌ها معمولا در مناطق خاصی اتفاق می‌افتد؛ اغلب در مناطقی که خط ساحلی به تدریج به آب‌های کم‌عمق منتهی می‌شود. ممکن است یک گروه اجتماعی کامل مسیر خود را گم کند و با پایین‌رفتن سطح آب گرفتار شود، اما تقریبا به‌طور قطع این مسئله تنها بخشی از مجموعه‌ای بسیار پیچیده‌تر از عوامل دخیل در این پدیده است». پژوهشگران معتقدند رفتار اجتماعی بسیار قوی نهنگ‌های خلبان باعث می‌شود اگر یکی از آنها مسیر خود را گم کند، نهنگ‌های دیگر برای کمک به آن به دنبالش بروند. اداره حفاظت از محیط زیست نیوزیلند درباره محتمل‌ترین نظریه درباره به‌گل‌نشستن دسته‌جمعی این نهنگ‌ها اعلام کرد که سامانه پژواک‌یابی آنها برای تشخیص مسیر در آب‌های کم‌عمق و دارای شیب ملایم مناسب نیست. بر اساس اعلام اداره حفاظت از محیط زیست نیوزیلند، بزرگ‌ترین مورد به‌گل‌نشستن نهنگ‌های خلبان در این کشور در سال ۱۹۱۸ در جزایر چتم اتفاق افتاد که در جریان آن، حدود هزار نهنگ گرفتار شدند. البته در چند سال گذشته چندین مورد به‌گل‌نشستن دسته‌جمعی نهنگ‌ها در منطقه اقیانوسیه توجه زیادی را به خود جلب کرده است. در سال ۲۰۲۲، حدود ۵۰۰ نهنگ خلبان در پی به‌گل‌نشستن دسته‌جمعی در نزدیکی آب‌های محل زیست کوسه‌ها، در جزایر دورافتاده نیوزیلند جان خود را از دست دادند. در فوریه سال گذشته، بیش از ۱۵۰ نهنگ در سواحل تاسمانی استرالیا به گل نشستند؛ همه این نهنگ‌ها یا جان باختند یا برای پایان‌دادن به رنجشان به روش اتانازی کشته شدند. این نخستین مورد به‌گل‌نشستن دسته‌جمعی این حیوانات در تاسمانی طی ۵۰ سال گذشته بود.